



## روز جهانی نسخه‌های خطی، و ضرورت آگاه‌سازی دولت‌ها و ملت‌ها

که سنت کتابت و کتابسازی و کتاب آرایی قدمت بیشتر دارد، پیشینه کتابسازی هم به همان نسبت قدیم‌تر است. مشهورترین گزارش در این زمینه کتابسازی اسکندر در جریان حمله به ایران است که منابع تاریخی بارها بدان پرداخته‌اند. از جمله در نامه تنسر آمده که اسکندر کتاب اوستارا که بر دوهزار، و به روایتی دوازده هزار، پوست گاو نوشته شده بود، در آتش بسوزاند (ذبیح‌الله صفا، حماسه‌سرایی در ایران، ۱۳۷۴، ص ۵۱-۵۲).

حمزه اصفهانی، مورخ سده چهارم، نیز در ذکر اشکانیان، آورده است که چون اسکندر بر سرزمین بابل دست یافت و مردم آنجا را مغلوب کرد، به علومی که خاص ایشان بود و هیچ یک از ملل جهان بدان دست نیافته بودند حسد برد، و همه کتاب‌هایی را که یافت، طعمه آتش ساخت.

در جریان حمله سلطان محمود غزنوی به ری نیز بخشی از کتابخانه بزرگ این شهر به آتش کشیده شد و بخشی دیگر به بخارا و یا به نقلی دیگر به غزنین انتقال یافت. دو قرن بعد نیز بخش قابل توجهی از کتاب‌های تمدن عظیم ایرانی در جریان حمله مغولان نابود شد. مغولان و تاتارها در آغاز قرن هفتم کتابخانه‌ها را سوزاندند و حتی از نسخه‌های خطی به عنوان سوخت استفاده می‌کردند.

اما سوزاندن آثار مکتوب تنها یک روی سکه جریانی است که صاحبان فرهنگ را از میراث خود محروم می‌سازد؛ روی دیگر این سکه جریان انتقال آثار مکتوب است که گاه در کنار جریان کتابسازی گزارش شده‌اند و در نتیجه آن، بسیاری از آثار ارزشمند از سرزمین اصلی خود خارج شده و در مجموعه‌های سرزمین فاتحان نظامی جای گرفته‌اند. در این جریان، صرفاً کتاب‌ها از دست نرفته‌اند، بلکه از یک سو ارتباط دانشمندان با سنت علمی فرهنگ خود گسسته شده و از سوی دیگر زمینه برای سوءاستفاده صاحبان جدید آثار فراهم آمده است.

پیش از رواج و گسترش کتابت بر روی کاغذ، نگارش بر روی گل، سنگ، چرم، فلز، و برخی اشیاء دیگر بود که به رغم دشواری نگارش و در نتیجه محدود بودن تولید اثر، این صفحات کمتر دستخوش نابودی می‌شدند و از این رو اغلب آثار نوشته شده بر روی این مواد کم و بیش به خوبی حفظ شده و به نسل‌های بعد رسیده‌اند. از سوی دیگر، کاغذ، اگر چه در گسترش نگارش و سپس تولید کتاب نقش مهمی داشت، آسیب‌پذیری آن در برابر آتش و آب و آفت‌های طبیعی و بشری، همواره نگرانی‌هایی در پی داشته است و از انبوه آثار نوشته شده بر روی کاغذ، بسیاری، در آتش‌های طبیعی و برافروخته شده به دست بشر، به ویژه در جنگ‌ها، از میان رفته‌اند و فقدان آنها موجب پیدایی نقاط تاریک در تاریخ فرهنگی شده است.

البته امروزه با دسترسی به فناوری دیجیتال، می‌توان تصویر محتوای آثار مکتوب را به خوبی حفظ کرد و به آیندگان منتقل ساخت؛ ولی اهمیت این آثار تنها در محتوای آنها نیست و مواد تولید آنها، از جمله کاغذ، جوهر، و جلد نیز خود اهمیت فرهنگی خاصی دارند و بخشی از فرهنگ پدیدآورندگان اثر به شمار می‌روند؛ از این رو حفظ اصل این آثار و تلاش برای احیای آنها ضرور می‌نماید.

همچنان‌که اشاره شد، گذشته از بلایای طبیعی، موارد متعددی از آتش‌افروزی‌های بشری را نیز از عوامل مهم نابودی آثار فرهنگی و از جمله کتاب گزارش کرده‌اند؛ گاه حتی هدف مستقیم اولیه آتش‌افروزان از میان بردن دستاوردهای فرهنگی و مهمتر از همه کتاب، بوده است. مروری بر شماری از این رویدادها برای روشن‌تر شدن انگیزه‌ها و علل سیاسی و اجتماعی عاملان آنها خالی از فایده نیست.

ظاهراً پیشینه قصه کتابسازی در غرب به قرون وسطی باز می‌گردد؛ یعنی به زمانی که لویی نهم، پادشاه فرانسه، به ترغیب پاپ گریگوری نهم، بیش از دوازده هزار نسخه تلمود را در پاریس به آتش کشید. اما در شرق

در همان حمله اسکندر، به گواه تاریخ، آثار متعددی را به یونان بردند که دانشهای گردآمده در آنها بعدها به نام دانش یونانی به جهانیان عرضه شدند. در عصر حاضر نیز همچنان که گزارش‌های مسافران اروپایی به شرق نشان می‌دهند، هدف و انگیزه سفر گروهی از ایشان، صرفاً تهیه کتاب‌های شرقی و انتقال آنها به غرب بوده است.

در قرن شانزدهم میلادی کلیسای رم افرادی را مأمور کرد تا به شرق سفر کنند و نسخ خطی علمی، مذهبی، فلسفی و طبی را شناسایی و تهیه کنند. از آن جمله برادران دکتی بودند که نسخه کهنی از قانون ابن سینا را از ایران به رم بردند و در آنجا به چاپ رساندند. این کتاب از آن پس، قرن‌ها در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد.

جیمز موریه در توصیف کتابخانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اطلاعات جالب توجهی از نسخ خطی موجود در موقوفه شیخ صفی ارائه می‌دهد. وی می‌نویسد:

در اینجا مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی پیشکشی شاه عباس نگهداری می‌شود. این کتاب‌ها از بهترین آثار فارسی است. برخی با خط خوش و بعضی به طرز زیبا تذهیب شده‌اند. بیشتر آنها مهور به مهر شاه عباس‌اند. مدیران این موقوفه به خوبی و با دقت از این کتاب‌ها نگهداری می‌کنند. قیمت‌های گزافی پیشنهاد دادیم، سرسختانه خودداری می‌کنند (سفرنامه جیمز موریه، ترجمه ابوالقاسم سری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۹۴).

پی‌ترو دل‌واله در سفرنامه خود از خرید نسخه‌ای کهن از تورات در ایران خبر می‌دهد. او در گزارش خود از اصفهان، چنین می‌نویسد:

اینجا در جست‌وجوی قانون ابن سینا هستم، ولی امثال این کتب علمی غالباً در اختیار دانشمندان است که می‌دانند اینها چه گنجینه‌هایی هستند و به خوبی از آنها نگهداری می‌کنند. اما کتاب‌هایی که به فروش می‌رسد کتب افسانه و اشعار است که برای ما فایده‌ای ندارد. با تمام این احوال من به این اکتفا نمی‌کنم و وقتی پایم به دربار برسد، اطلاعات مفیدی به خصوص از طریق ملا جلال منجم شاه به دست خواهم آورد که امیدوارم با همدستی او بتوانم کتب جالبی پیدا کنم (کتاب گسترش مجموعه‌های اسلامی در کتابخانه‌های اروپای غربی و آمریکای شمالی، استفن رومن، ترجمه فرشته ناصری، ۱۳۸۱، ص ۳۶).

مادام دیولافوا نیز در سفرنامه خود، با درج سیاه قلمی از تصویر ناقلان نسخ خطی، می‌گوید که این شخص در حال بردن آثار باستانی ایران برای موزه لوور است (سفرنامه دیولافوا، ترجمه ایرج فره‌وشی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۷).

اما رهاورد این نقل و انتقالات اشیاء قدیمی به دیگر کشورها، اکنون به آسانی در دسترس همگان است. حتی در سال‌های اخیر بازدید از برخی از این موزه‌ها رایگان شده است.

بی‌شک آنچه در تاریخ اتفاق افتاده بر کسی پوشیده نیست و زمانی اسلاف آنان دست به سرقت زدند، اما اکنون وارثان این آثار عتیقه و موارد فرهنگی مشرق زمین، آنها را در دسترس همگان قرار داده‌اند و حتی بهتر از خود ما از آنها نگهداری می‌کنند.

اما آنچه که امروز دست‌آوردان فرهنگ بشری را نگران و مضطرب ساخته، این موضوع است که افرادی در لباس انسان است که به هیچ اصل و ریشه‌ای اعتقاد ندارند، دست‌آورد‌های تاریخی بشر را مظاهر شرک و کفر می‌دانند. جامعه جهانی باید با این خطر جدی مقابله کند.

در سال‌های اخیر، با بروز جنبش‌های تکفیری و سلفی، مظاهر تمدنی به عنوان آثار شرک قلمداد و تحریق و تخریب شدند. طالبان به تخریب نقش برجسته‌های بودا در افغانستان دست زد و با به آتش کشیدن کتابخانه‌ها نشان داد که اعتقادی به دست‌آورد‌های هنری و دینی و باستانی بشر ندارد. به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین انگیزه‌های نابودگران آثار، به‌ویژه آثار خطی، جنبه مذهبی آنها بوده است. در واقع، غارتگران چون خود را پیرو فرقه ناجیه و برحق می‌دانسته‌اند، همواره بر آن بوده‌اند تا با محو آثار دینی، علمی، تاریخی و هنری، دشمن را تحقیر و نظر خویش را تحمیل کنند. آنان به زعم خود می‌خواستند آثار کفر و شرک و ضلالت را نابود کنند تا در فقدان آنها، تفکرات باطل و متحجرانه ایشان درست و برحق جلوه نماید.

در آشوب‌های یکی دو دهه اخیر عراق نیز شاهد این دست‌حوادث ناگوار بودیم. دو کتابخانه بزرگ بغداد، یعنی کتابخانه ملی و کتابخانه اوقاف، که از مهمترین مراکز حفظ اسناد و مدارک تاریخی عراق بودند، به آتش کشیده شدند و آثار باستانی و نسخ خطی نفیس آنها، سر از حراجی‌های آثار عتیقه در اروپا درآوردند.

اما فاجعه‌بارترین رویدادهای این جنبی، همین روزها در حال وقوع است: در یکی دو سال گذشته نیروهای دولت به اصطلاح اسلامی داعش، حدود دوهزار جلد کتاب را از کتابخانه مرکزی موصل خارج کردند و به آتش کشیدند. در سوریه نیز همین گروه تروریستی بیش از یک‌هزار جلد کتاب علمی، ادبی، دینی را در اطراف منطقه الزور، در شمال قضاء المقدادیه، و نیز در مناطق السعیدیه و جلولا در حوض حمیرین به آتش کشید. با این همه، مجامع فرهنگی جهانی اقدام قابل توجهی برای پیشگیری از این امور غیر انسانی انجام ندادند. چندی پیش دبیرکل یونسکو، آن هم در اقدامی دیرنگام، درباره یکی از این اقدامات وحشیانه با مجموعه‌های خطی در کتابخانه‌ها، تنها به دادن هشدار بسنده کرد!

باری، خطر رواج اندیشه‌های سلفی در کشورهای اسلامی، زنگ خطر را به صدا درآورده و وقت آن رسیده است که سازمان‌های جهانی و در رأس آنها سازمان علمی فرهنگی یونسکو، اقدامات بسیار جدی‌تری برای آگاه‌سازی و محافظت از موارد بشری صورت دهند. یکی از کارهای مفید و تأثیرگذار که لازم است هرچه زودتر به تصویب برسد، این است که روز مشخصی را به نام «روز جهانی میراث مکتوب ملت‌ها» نامگذاری کنند و از دولت‌ها بخواهند تا برای نگهداری، محافظت و مرمت، بازسازی و احیای آثار ارزشمند کهن فرهنگی خود اقدامات جدی‌تری انجام دهند و مردم را از داشته‌های علمی و دست‌آورد‌های نیاکان خود مطلع سازند.

با چنین اقدامی، بی‌شک، مسئولیت‌پذیری مردم و دولت‌ها نسبت به میراث مستند خود و آثار فرهنگی ملموس و مکتوبات به جای مانده از قرون گذشته دوچندان می‌شود و زمینه‌ای خواهد شد برای کوتاه کردن دست چپاولگران؛ و طبیعتاً با این همفکری جهانی، وظیفه متولیان امر در داخل کشور سنگین‌تر می‌شود.